

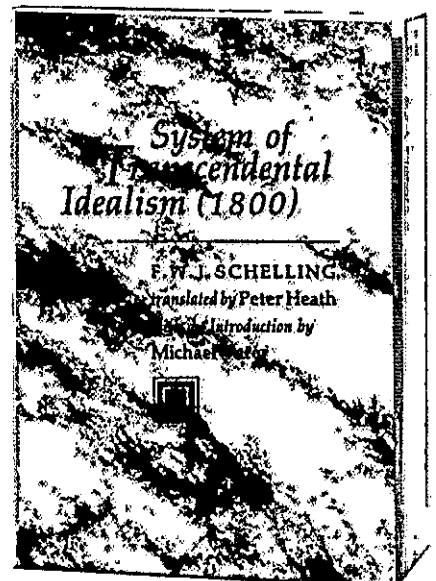
ایدئالیسم استعلایی

شلینگ؛ پدر معنوی اگزیستانسیالیسم

حسین الله وردی

«سیستم ایدئالیسم استعلایی» عنوان کتاب اصلی شلینگ است که به معرفی ایدئالیسم رمانتیک خاص او می‌پردازد. دیدگاه شلینگ در توسعه فلسفه ایدئالیستی بر مبنای «اراده» و نوعی از «غایت‌انگاری» با مبنای قرار دادن هنر و کارکرد زیباشناسانه، نه تنها او را به عنوان حلقه واسط کانت و هگل معرفی می‌کند که حتی به عقیده بعضی صاحب‌نظران او را در جایگاه پدر معنوی اگزیستانسیالیسم می‌نشانند. او به تبع فیشته، «اراده» سوژه را به عنوان مبنایی برای حصول معرفت به رسمیت می‌شناسد و مقوله معرفت را به امر ایدئال، زیباشناختی و هنری احاله می‌دهد.

System of Transcendental Idealism
F. W. J. Schelling
Date: 1800



ایدئالیست‌های آلمان پس از کانت به توصیه او درباره ناکارآمدی «نقد عقل عملی» در ایجاد متافیزیک توجهی نکردند و در پی معرفی یک متافیزیک یکپارچه مبتنی بر «اراده» و «اصل غایی» تلاش‌های بسیاری را صورت دادند. فردریش ویلهلم جوزف شلینگ در سال ۱۸۰۰ میلادی کتاب «سیستم ایدئالیسم استعلایی» را به چاپ رساند. این اثر شش سال پس از تالیف «بنیان نظریه فراگیر علم» اثر یوهان گوتلوب فیشته و هفت سال پیش از «پدیدارشناسی روح» هگل منتشر می‌شود. کتب مذکور با وجود تفاوت نظر نویسندگان و بعضاً تضادهای موجود میان آنان، از جهت مقصود تالیف واحد و حدتی هستند که بر اساس ترتیب تاریخی رو به سوی تکامل دارند. به همین نسبت «سیستم ایدئالیسم استعلایی» تحت نفوذ نظریه علم فیشته و بستری برای پیدایش «پدیدارشناسی روح» به حساب می‌آید.

«سیستم ایدئالیسم استعلایی» از بررسی مفهوم «من» آغاز می‌شود و در مسیر تعیین بخشی به من در مقام امری ذهنی پیش می‌رود. شلینگ در این اثر برای تبیین بسط «آگاهی» از مقولات متنوع هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه‌ای بهره می‌جوید که در بررسی رابطه ذهن و عین از یک سو و متناهی و نامتناهی از سوی دیگر برای تشکیل متافیزیک منظم موضوعیت دارند. نکته قابل توجه در این پژوهش، محوریت یافتن هدف اخلاقی یا هدف انضمامی زندگی است که از نظر شلینگ نقشی اساسی در تبیین بسط «آگاهی» ایفا می‌کند. به این ترتیب او تبیین می‌کند که چگونه آگاهی انسان به شناسایی اموری می‌پردازد که خارج از او قرار دارد.

پیش از شلینگ، عقل عملی و عقل نظری به عنوان دو کارکرد متفاوت معرفت تبیین شده بود؛ به این طریق که سوژه در عقل نظری به صورت منفعل توسط ایژه شناخت تحت تاثیر قرار گرفته و متعین می‌شود. برخلاف سوژه در عقل عملی که ایژه مورد نظر را با اراده خود متعین و محقق می‌کند و در واقع ایژه‌های را پدید می‌آورد که پیش از آن موجود نبوده است. این تحلیل که ریشه در دو اثر «نقد عقل محض» و «نقد عقل عملی» کانت دارد، مجدداً توسط فیشته پردازش می‌شود. تلاش فیشته برای یافتن مبنایی وحدت‌بخش میان عقل

عملی و عقل نظری به انتشار کتاب «بنیان نظریه علم» منتهی می‌شود. پژوهش فیشته با وجود برجستگی‌های تحسین‌برانگیزش تا آنجا مفید بود که عقل عملی را هم در تحلیل معرفت وارد ساخت و «اصل غایی» و «اراده» را در تبیین معرفت دخیل دانست.

شلینگ با تحلیل نظریه فیشته، مساله‌ای را مورد توجه قرار می‌دهد که مقدمه‌ای برای پیشرفت بعدی «فلسفه استعلایی» به حساب می‌آید؛ اینکه فاعل معرفت چگونه به شکلی منفعل از ایژه خارجی تاثیر می‌پذیرد و از سوی دیگر ایژه‌های را با اراده خویش متعین می‌کند. اگر چنین باشد سوژه در جایی واجد اراده و در جایی دیگر فاقد آن خواهد بود و می‌توان پرسید که آیا سوژه واجد انشقاق و دوگانگی درونی است و... او برای حل این مساله به تبیین مفهوم «روح مطلق» می‌پردازد که هیچ‌گاه فاقد اراده نیست و هم اوست که عقل نظری و عقل عملی را شکل می‌دهد. این روح واحد، هم شیء و هم تصور شیء را به وجود می‌آورد. کارکرد «روح» در طبیعت، خلق اشیا و در حیطة آگاهی، خلق تصورات متناسب از این اشیا است. این روح خلاق واحد ویژگی‌هایی است که هنرمند و تاحدودی هم فیلسوف از آن بهره‌مند هستند. با وجود این، زیبایی‌شناسی و هنر به جایگاهی فراتر از تفکر فلسفی دست می‌یابند و به نوعی ریشه و بنیان اندیشه را تشکیل می‌دهند؛ تصوراتی که هنرمند را در مقام تعیین‌بخش «ایژه‌های ناموجود» قرار می‌دهد توسط همان «روح»ی ایجاد شده که اشیا طبیعی را هم به وجود آورده است.

معرفی مفهوم «روح مطلق» به عنوان مبنای واحد شناخت و تبیین رابطه امر متناهی با آن را می‌توان استراتژی اساسی «سیستم ایدئالیسم استعلایی» دانست. شلینگ برای بررسی این مفهوم در فصول اول و دوم کتاب خود به بررسی اصل ایدئالیسم استعلایی و نحوه استنتاج آن می‌پردازد. او در فصل سوم به سه دوره تاریخی معرفت اشاره می‌کند که عناوین آن به این شرح است: از معرفت حسی تا شهود مولد، از شهود مولد تا نظروروزی و نهایتاً از نظروروزی تا کنش مطلق اراده. فصول چهارم تا ششم کتاب هم به ترتیب به تبیین «فلسفه عملی»، «اصول غایت‌انگاری» و «اصول فلسفه هنر» بر مبنای ایدئالیسم استعلایی اختصاص دارد.